



سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه اقتصادی



مونا کتامنیا

یا به صورت تجهیزات و ماشین آلات نمی تواند ارزشی افزوده ایجاد کند. برای اینکه سرمایه های اقتصادی و مادی، بازدهی ایجاد کنند نیازمند آن هستیم که نیروی کار ساده یا ورزیده، مهندسان تحصیل کرده و مدیران مجرب، در یک سازماندهی جمعی، این سرمایه ها را به کار گیرند. بنابراین بدون سرمایه انسانی، سرمایه اقتصادی به تنهایی قادر به تولید و ایجاد ارزش افزوده نیست. حال فرض کنید که صدها نفر کارگر، مهندس، سرمایه دار و مدیر از کشورهای دیگر به کشور مفروض گسیل داده شوند. این افراد در مکان های مختلف، مثلا در کارخانه ها و اطراف تجهیزات و ماشین آلات پناه می گیرند و به صورت انفرادی یا حتی جمعی زندگی میکنند اما هر یک در تلاش است که به صورت انفرادی، زندگی خود را سامان دهد و از امکانات موجود برای خود سر پناه، وسیله دفاعی یا غذایی دست و پا کند. در این صورت ممکن است بسیاری از مکان ها و تاسیسات تولیدی موجود توسط افرادی که می کوشند زندگی خود را سامان دهند تخریب نیز بشود. روشن است که علاوه بر امکانات اقتصادی و مادی، حتی اگر نیروی انسانی نیز وجود داشته باشد، هیچ تضمینی نیست که از این دو دسته عوامل تولید و ارزش افزوده ای به وجود آید. وجود این مجموعه عوامل وقتی به تولید می انجامد که نیروی انسانی موجود ساماندهی شود، افراد با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، همکاری کنند، به یکدیگر اعتماد کنند، برنامه ریزی کنند، سلسله مراتب ایجاد کنند، تقسیم کار کنند، قواعد همکاری و مشارکت و روش های نظارت بر آن قواعد را ایجاد کنند و بنابراین بتوانند هدف گذاری کنند، تصمیم بگیرند و آن سرمایه های اقتصادی را برای تحقق اهداف شان به کار گیرند. این نیروی انسانی سازماندهی شده که با تعامل جمعی، همکاری و مشارکت موجب تولید و ایجاد ارزش افزوده میشود را "سرمایه انسانی" می نامیم و آن روحیه ها، خلق و خو ها، ارزش های اخلاقی، عادات رفتاری، آداب و سنت ها، هنرها، روش ها و نهادهایی که منجر به پذیرش سلسله مراتب، تمکین از قواعد اجتماعی، همکاری، اعتماد و مشارکت افراد می شود (که همه این ها شرایط و امکان پیش بینی و برنامه ریزی را برای اعضا جامعه فراهم می آورند). را "سرمایه اجتماعی" می نامیم.

بنابراین در می یابیم که برای به کار افتادن سرمایه اقتصادی نیاز به سرمایه انسانی داریم و برای اینکه نیروی انسانی به "سرمایه انسانی" تبدیل شود و بتواند سرمایه اقتصادی را به کار گیرد باید یک بستر با فضای اجتماعی وجود داشته باشد تا تعامل، همکاری و مشارکت اعتماد آمیز در بین نیروهای انسانی شکل بگیرد، این بستر و فضای اجتماعی را "سرمایه اجتماعی" می نامیم. یعنی سرمایه اجتماعی اجازه می دهد که سرمایه انسانی در یک تعامل سازنده، سرمایه

چرا از خط عابر پیاده و پل عابر استفاده نمی کنیم؟ چرا از روی نرده ها می پریم؟ چرا وسایل ورزشی عمومی را می شکنیم و خراب می کنیم؟ چرا چراغ های برق خیابانها و باجه های تلفن عمومی را تخریب می کنیم؟ چرا در معاملات و کار قلب می کنیم و می خواهیم با کمترین وقت و انرژی بیشترین درآمد را به دست آوریم؟ چرا دروغ می گوئیم؟ چرا در اداره ارباب رجوع را سرگردان و معطل می کنیم؟ چرا از راست سبقت می گیریم؟ چرا در خیابانهای یک طرفه از سمت مقابل حرکت می کنیم؟ چرا پشت چراغ قرمز نمی ایستیم؟ چرا با آب شرب لوله کشی ماشین می شوئیم و به باغچه خانه آب می دهیم؟ چرا اضافه بر مصرف خرید می کنیم؟ چرا اضافه می خوریم؟ چرا آمار طلاق، خودکشی، مهاجرت، اعتیاد و بزهکاری در ایران بالاست؟ چرا سرمایه خود را در کشور/استان/شهر خودمان سرمایه گذاری نمی کنیم؟ چرا طبق آمار بانک مرکزی نزدیک به نیمی از کسانی که در چهار چوب سیاست طرح های زودبازده از بانکها وام گرفته اند، طرح خود را راه اندازی نکرده اند؟ چرا فرزندانمان در ایران نمی مانند؟ چرا؟ چرا؟ چرا؟ چرا؟...

همه این پرسش ها در حالی رخ می نماید که در ۳۵ سال پس از انقلاب ما به اندازه کل تاریخ کشف نفت، نفت فروخته ایم. در واقع پرسش این است که با وجود این همه منابع مادی که به اقتصاد ایران به صورت سرمایه گذاری اقتصادی، ورود فناوری های جدید، گسترش آموزش، توسعه زیرساختها و ... تزریق شده است، هنوز نه تنها ما توسعه نیافته ایم بلکه از نظر بعضی شاخصهای توسعه، پس رفت نیز داشته ایم.

پاسخ همه اینها به یک نکته باز می گردد و آن این است که در این دوره سرمایه اجتماعی در ایران کاهش پیدا کرده است و کاهش سرمایه اجتماعی، عامل مشترک همه این کاستی ها و ناراستی ها بوده است.

یک کشور کوچک را تصور کنید که از غنی ترین مکانها از نظر منابع زیرزمینی و معدنی است و انبوهی از کارخانه ها و ماشین آلات و تاسیسات زیربنایی به صورت موهبت اولیه در آن وجود دارد. ولی هیچ کس در آن زندگی نمی کند. چه روی می دهد؟ ما با کشوری رو به رو هستیم که از نظر سرمایه طبیعی و مادی و اقتصادی غنی است ولی این سرمایه ها بدون استفاده و راکد هستند و هیچ بازدهی اقتصادی ندارند. پس می توان نتیجه گرفت صرف وجود سرمایه های مادی و اقتصادی _ چه به صورت پول نقد باشد، یا به صورت مواد اولیه در انبار و